

پیرترین زن ژاپنی درگذشت

ایستانبیزن ژاپنی که مسن‌ترین ژاپنی بوده،شنبه گذشته در سن ۱۱۳ سالگی درگذشت. به گزارش آسوشیپدپرس، کاکو یاماناکا متولد ۱۱ دسامبر ۱۸۹۴ روز شنبه پس از انتقال به بیمارستان بر اثر کھولت سن درگذشت. ژاپن دارای بیشترین میانگین سنی است که شاید دلیل آن، مصرف فراوان ماهی و برنج در این کشور باشد. در سال ۲۰۰۶ میانگین حداکثر سن زنان در این کشور ۸۵/۸۱ سال و مردان ۷۹ سال بود. در ۱۰ سال گذشته، تعداد ژاپنی‌های بالای ۱۰۰ سال، چهار برابر شده است. بر اساس آمار وزارت بهداشت این کشور، در سال ۲۰۰۷ تعداد افراد صد ساله، ۳۲ هزار و ۲۹۵ نفر بوده است. طبق کتاب رکوردهای گینس، در حال حاضر مسن‌ترین فرد جهان، ادنا پارکر هندی است که ۱۱۴ سال سن دارد.■

مرگ بن هور در ۸۴سالگی

گروه خبر: چارلتون هستون، هنرپیشه آمریکایی و برنده جایزه اسکار بهترین هنرپیشه مرد برای فیلم «بن هور» هفته گذشته در سن ۸۴سالگی در منزلش درگذشت.

به گزارش سلامت به نقل از بی بی سی، بر اساس گزارش پزشکان، سال گذشته نشانه بیماری آلزایمر در چارلتون هستون مشاهده شد اما پس از مدتی بهبود یافت. چارلتون هستون پیش از اینکه به مدت سه سال در نیروی هوایی آمریکا فعالیت کند، در رشته بازیگری تحصیل می کرد. او متولد سال ۱۹۲۴ آمریکااست و نام اصلی‌اش جان چارلز کارتر است و ۶۰ فیلم سینمایی بازی کرده است، او به دلیل نقش‌های حماسی و فعالیت‌های سیاسی فراوانش مشهور است.

از جمله فیلم‌هایی که چارلتون هستون در آن بازی کرده است می‌توان به: ده فرمان (۱۹۵۶)، نشانی از شر (۱۹۵۸)، بن هور (۱۹۵۹)، السید (۱۹۶۱)، ۵۵ روز در پکن (۱۹۶۳)، خارطوم (۱۹۶۶)، سیاره میمون‌ها (۱۹۶۸)، زلزله (۱۹۷۴)، مردی برای تمام فصول (۱۹۸۸)، جزیره گنج (۱۹۸۹) و سیاره میمون‌ها (۲۰۰۱) اشاره کرد.■

دبیرکل سابق کنفدراسیون فوتبال آسیا درگذشت

فارس: داتو چیه، دبیرکل سابق کنفدراسیون فوتبال آسیا در ۹۴ سالگی در ایپوی مالزی درگذشت.

داتو تنو از ۱۹۷۴ دبیرکلی کنفدراسیون آسیا را برعهده داشت که در سال ۱۹۷۸ داتو پیتر ولایان جایگزین او شد. او از اول جولای ۱۹۶۹ و با عنوان‌خزانه‌داری کنفدراسیون کار خود را شروع کرد. محمد بن همام، رییس کنفدراسیون آسیا با ابراز تسلیت به خانواده او گفت:«داتو تنو، یکی از معماران فوتبال در آسیا بود. وی در توسعه فوتبال مالزی و آسیانقش مهمی برعهده داشت.» داتو تنو چیه یکی از کسانی بود که در مراسم پنجاه‌سالگی کنفدراسیون آسیا مورد تقدیر ویژه قرار گرفت.■

بازیگر برنده اسکار در دادگاه پیروزشد

مهر: دادگاهی در لندن روز جمعه شکایت نیکلاس کیچ را از کاتلین ترنر، وارد دانست که در کتاب زندگینامه خود او را به دو بار بازداشت به اتهام رانندگی در حالت غیرعادی و دزدیدن سگ متهم کرده است.

رویترز اعلام کرد که هیچ یک از دو بازیگر مطرح سینما برای شنیدن رای دادگاه در مورد شکایت کیچ از هم‌بازی خود در فیلم «پگی سو ازدواج کرده» و ناشران او پایلبشینگ گروپ و روزنامه دیلی میل چاپ بریتانیا در دیوان عالی لندن حضور نداشتند.

سایمن اسمیت، وکیل کیچ به دادگاه گفت که بخش‌های توهین‌آمیز کتاب «برای خود گل‌های روزرفرست» ترنر با عنوان «چرا از پورت ریولندز و نیکلاس کیچ متفرم» در دیلی میل و وب‌سایت این روزنامه منتشر شده است. منیحه ادعاهای ترنر ۵۳ساله تجزیه‌ات او از سر صحنه «پگی سو ازدواج کرد» است که سال ۱۹۸۶ به کارگردانی فرانسیس فورد کوپولا ساخته شد. ترنر در این فیلم نقش زنی را دارد که از شوهرش با بازی کیچ جدا شده و به شکلی غیرمنظره به سر‌های ۱۹۶۰ و دوران جوانی خود بازمی‌گردد.

وی در کتاب خود نوشته است: «کیچ دو بار به‌دلیل رانندگی در حالت غیرعادی دستگیر شد و فکر کنم یک بار نیز به دلیل دزدیدن سگ. او سگی را که دوست داشت در لباس قایم کرده بود.» اسمیت گفت‌این ادعاهااشتباه است‌و به‌شهرت شخصی و حرفه‌ای موکل او لطمه وارد ساخته است. ترنر دو نواشر او با پذیرفتن غیرواقعی بودن این ادعاها حاضر به پرداخت غرامت به کیچ ۴۴ ساله شده‌اند. ترنر دردهه ۱۹۸۰ بافیلم‌هایی چون «حجرات تن» لارنس کاسدان، «جواهرورستی» رابرت زمکیس شهرت زیادی پیدا کرد. او برای «پگی سو ازدواج کرده» نامزد اسکار نیز شد. کیچ به تازگی فیلم «کتنبه‌های ملی: کتاب اسرار» را روی پرده داشت. او در ۱۹۹۶ برای فیلم «ترک کردن لاس وگاس» ساخته مایک فیگیس برنده اسکار شد و سال ۲۰۰۳ نیز برای فیلم «اقتباس» نامزد اسکار بود.■

پاتریک سویزی ۵۵ ساله، زندگی‌رشک‌برانگیزی داشت.

ترجمه: **بهار خراسانی**
اسکیت‌باز حرفه‌ای پیشین و هنرپیشه‌وبالارین مشهورامروز

در دامن طبیعت در مرغزارهایی که در کالیفرنیا و نیومکزیکو صاحب آن بود، زندگی می‌کرد و احتشام و اسب‌های عربی پرورش می‌داد و از یک پناهگاه حیات و حش نگهداری می‌کرد. او بیش از ۳۰ سال بود که با لیزا نیامی که در دوران آموزش باله یا او آشنا شده بود، ازدواج کرده بود. بازی او در فیلم‌های سینمایی از جمله فیلم **روح در سال ۱۹۹۰** که در آن با دمی مور همبازی بود، او را به **چهره‌های محبوب** در میان نسلی از سینماورها بدل کرده بود. اما اکنون او با **سرطان لوزالمعده** مواجه است، یکی از **مرگ‌بارترین اشکال بیماری‌هایی که انسان را مبتلا می‌کند. کمتر از پنج درصد از بیماران در فاصله پنج سال پس از تشخیص** بیماری **زنده می‌مانند، اغلب آنها در طول یک سال پس از تشخیص می‌میرند.**

با وجودی که سویزی در ۵۵ سالگی به این بیماری مبتلا شده است، اغلب مبتلایان به این بیماری در سنین بالای ۶۰تا۶۵سال هستند.حدود یک چهارم موارد سرطان لوزالمعده را می‌توان به سیگار کشیدن ارتباط داد (سویزی پذیرفته است که اعتیاد شدیدی به سیگار داشته است و تاروزانه سه پاکت سیگار می‌کشیده است).

دیابت و چاقی از دیگر عوامل خطر‌ساز برای این بیماری هستند. مصرف مفرط الکل نیز با این سرطان ارتباط دارد.

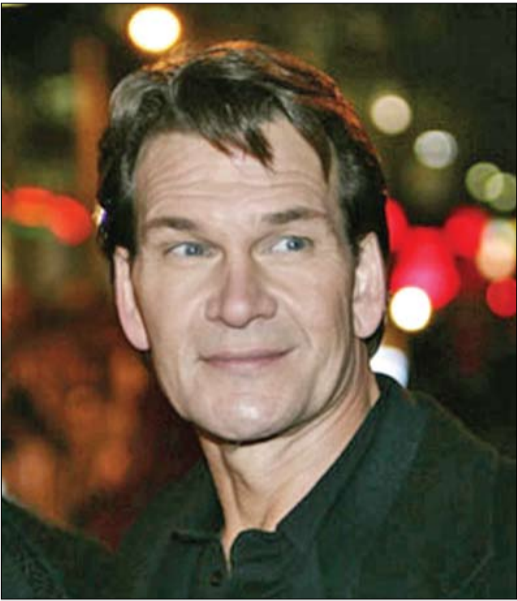
در ۱۰ تا ۱۵ درصد موارد نیز سابقه خانوادگی یا استعداد ژنتیکی برای این بیماری یافت می‌شود.

چرا این نوع سرطان این قدر مرگبار است؟

به گفته دکتر ادگار استارن، مدیر ارشد پزشکی در مراکز درمان سرطان آمریکا در شهر زیون در ایلی‌نویز مشکل این است که بیماران به ندرت پیش از آنکه به مراحل انتهایی و پیشرفته بیماری رسیده باشند، علامت‌دار می‌شوند تا به پزشک مراجعه کنند. در حال حاضر هم تست معمولی برای غربالگری یا بیماریابی زودرس برای سرطان

پاتریک سویزی با بزرگ‌ترین نبرد زندگی اش روبه‌رو است

پنجه در پنجه سرطان



سویزی در ۵۵ سالگی با بیماری مرگباری روبه‌روست

لوزالمعده در اختیار نیست.

لوزالمعده در عمق شکم و در مجاورت ستون مهره‌ها قرار دارد، بنابراین تا مدت‌ها از رشد غده هیچ اندامی تحت فشار قرار نمی‌گیرد که با بروز درد یا سایر علائم بیمار را آگاه کند.

بیماری درخاموشی پیشرفت می‌کند تا حدی‌که به‌خصوص در مواردی که غده در سر لوزالمعده قرار دارد، مجرای صفراوی را مسدود کند و به پرقان بینجامد یا با درگیر کردن اعصاب سبب بروز درد شود. در این مرحله چند روز تا چند هفته بیماران دچار علایمی پرقان انسدادی (در ۸۰ درصد بیماران – به صورت زردی چشم‌ها و پوست، رنگ‌پریده و خاکی‌رنگ شدن مدفوع و تیره‌رنگ شدن ادرار – می‌شوند. در حالت طبیعی کبد صفرا را از طریق مجرایبی به درون روده تخلیه می‌کند و رنگ قهوه‌ای معمول مدفوع را سبب می‌شود. هنگامی که غده موجود در لوزالمعده – که با شکلی برگ‌مانند در پشت معده و در مجاورت این مجرا قرار دارد، آن را مسدود می‌کند، صفرا نمی‌تواند تخلیه شود و در نتیجه به درون خون پس می‌شود و سبب رنگی شدن پوست و ادرار می‌شود.

عاقبت سرطان لوزالمعده
برخی از موارد سرطان‌های لوزالمعده را می‌توان مورد جراحی قرار داد تا غده را خارج کرد اما در اغلب موارد جراحان در اتاق عمل متوجه می‌شوند که سرطان لوزالمعده منتشر شده و عروق خونی را درگیر کرده است و برداشت آن با جراحی ناممکن است و حتی هنگامی که غده را برمی‌دارند، در سه چهارم موارد با وجود شیمی‌درمانی بیماری عود می‌کند.

بیمارانی که یرقان ندارند، به علت درگیر شدن رشته‌های عصبی عموما دچار دردهای شدید هستند و به‌طور معمول نامزدهای مناسبی برای جراحی نیستند.

دکتر استارن تاکید می‌کند که تأثیرات جسمی و روانی این بیمارانی رامی‌توان با حمایت روانی، تسکین‌دادن درد و جراحی برای باز کردن راه عبور صفرا درمان کرد.

با این اقدامات بیماران تا حدی تسکین پیدا می‌کنند. اما هنگامی که علائم بیماری‌بازمی‌گردند، بیماران به‌طور معمول در طول چند روز تا چند هفته می‌میرند.

سویزی گفته است که با وجود تشخیص سرطان می‌خواهد به روال معمول زندگی‌اش ادامه دهد و هم اکنون در سریال دبست در نقش یک مامور اف.بی.آی بازی می‌کند که برای شبکه تلویزیونی A&E در شیکاگو در حال فیلمبرداری است.

او در مرکز سرطان استانفورد در دانشگاه استانفورد به وسیله دکتر جورج فیشر، متخصص سرطان در حال معالجه‌است. دکتر فیشر می‌گوید بیماری او پیشرفته نیست و به نظر می‌رسد تا به حال به خوبی به درمان پاسخ داده است.

کمتر از پنج درصد از بیماران مبتلا به سرطان لوزالمعده در فاصله پنج سال پس از تشخیص بیماری زنده می‌مانند

بهترین مقاله را انتخاب کنید

۱۶۴۳۰۱ **باز**

۲۰۰۵۲۸ **باز**

باز

باز

باز

باز

باز

باز

باز

باز

باز

باز

باز

باز

باز

باز

باز

باز

باز

باز

باز

باز

باز

باز

باز

باز

باز

باز

باز

باز

باز

باز

باز

باز

باز

باز

باز

باز

باز

باز

باز

باز

باز

باز

باز

باز

باز

باز

باز

باز

باز

باز

باز

باز

باز

باز

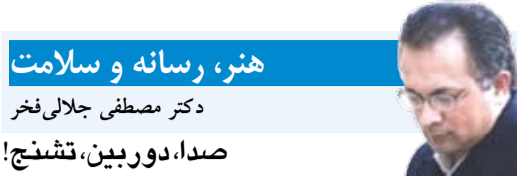
باز

باز

باز

سلامت

شماره صدوشت و چهار | شنبه بیست و چهار فروردین ماه هشتادوهفت



هنر، رسانه و سلامت

دکتر مصطفی جلالی‌نخر

صدا، دوربین، تشنخ!

در مجموعه تلویزیونی «پیامکی از دیار باقی» پدر را با ادعای دروغ مرگ، در قبری پنهان کرده‌اند و تنها راه زنده ماندنش روزنه‌های است که به بیرون تعبیه کرده‌اند. دو باری با بسته‌شدن این روزنه حیاتی، تعلیق ایجاد می‌شود که یک بار را با تشنخ یک جوان کرد کنار این مکان ایجاد می‌کنند که بهانه خوبی برای چنین تعلیقی نیست و مهم‌تر اینکه اشتباه پزشکی هم دارد چونان بسیاری از فیلم‌ها و سریال‌ها که در مواجهه با تشنخ، به باورها و رفتارهای غلط جا افتاده در جامعه بسنده می‌کنند. بیمار فوق به گفته هم‌راهانش سابقه تشنخ‌های طولانی مدت (استاتوس) دارد و در حال حاضر نیز دچار حمله تشنجی است. اما همه ایستاه‌اند و تماشا می‌کنند و در برابر اصرار حامد مبنی بر جابه‌جایی بیمار البته به این دلیل که راه ارسال هوا به پدرشان را مسدود کرده! مقاومت می‌کنند، در حالی که چنین رفتاری با فرد دچار تشنج استاتوس ممکن است به خفگی و مرگ وی نیز منجر شود. تصور اینکه چنین واکنشی در برابر تشنخ، به عنوان یک رفتار درست پزشکی به تماشاگر القا شود و درباره مشابه واقعی اجرا شود، خطر بی‌توجهی به چنین جزئیاتی را آشکارتر می‌کند. حتی در تشنخ کوتاه نیز نباید تنها نظاره‌گر ماند و باید بیمار را به پهلوئی چپ خواباند (برای جلوگیری از آسپیراسیون) و در دهانش پارچه‌ای گذاشت تا از آسیب‌های دهانی پیشگیری کرد. همین آموزش‌های ساده اولیه را می‌توان با چنین بهانه‌هایی در فیلم و مجموعه‌ها انتقال داده؛ نه اینکه برعکس عمل کرد. عجیب اینکه سینما در برخورد با این موقعیت به شدت نمایشی (و البته رعیب‌آور) همچنان تابع افکار و خرافه‌های پیشین هم باقی مانده است. از همان فیلم «شب بیست‌ونهم» که خیلی سال پیش ساخته شد تا همین سال‌ها به‌طور عمده نتوانسته‌اند به عنوان یک بیماری معمولی نگاهش کنند و به گناه و جن و وحشت کودکی و جنون و… ربطش داده‌اند و لحظات تشنخ را هم (با علاقه به کف دهان برای نمایشی‌تر کردن) با حداکثر اغراق اجرا کرده‌اند و احیانا به ذهن‌شان هم نرسیده که به جز دست و پا زدن (تشنخ‌های تونیک – کلونیک) انواع دیگر تشنخ هم وجود دارد که می‌تواند منبای قصه‌ها قرار گیرند. در مواجهه با بیماران هم، همان نگاه غلط قدیمی مبتنی بر ترجم و عاجز‌پنداری را بازسازی کرده‌اند؛ چونان داغی که بر پیشانی آنها ثبت است. در واقع سینما و تلویزیون در برخورد با مقوله تشنخ، دچار خطاهای سه‌گانه است، هم در جزئیات بالینی و درمانی، هم در روان‌شناسی بیمار و هم در رفتارهای جامعه شناختی و بیشتر بهره‌های سطحی دراماتیک و کلیشه‌ای را از نمایش تشنجات می‌برد. کاری که برای مثال، با سرفه می‌کند یا با تهوع به عنوان اولین نشانه حاملگی (که به این مقوله نیز در شماره‌های بعدی خواهیم پرداخت). همان‌گونه که سینما در برخورد با ایدز هنوز نتوانسته از قطعیت‌های غلط غیراخلاقی آن خلاص شود، در نمایش تشنخ هم نتوانسته به نگاه محترم و دور از تحقیر و درستی برسد.

تنها راهش اصلاح همان خطاهای سه‌گانه است، با یاری از مشاوران متخصصی در هر سه زمینه.■

بهترین مقاله را انتخاب کنید

۱۶۴۳۰۱ **باز**

۲۰۰۵۲۸ **باز**

باز

باز

باز

باز

باز

باز

باز

باز

باز

باز

باز

باز

باز

باز

باز

باز

باز

باز

باز

باز

باز

باز

باز

باز

باز

باز

باز

باز

باز

باز

باز

باز

باز

باز

باز

باز

باز

باز

باز

باز

باز

باز

باز

باز

باز

باز

باز

باز

قابل توجه برخی فیلمنامه‌نویس‌ها

منگول هم یک انسان است، با حقوق انسانی

هستند اما نویسنده محترم فیلمنامه خواسته یا ناخواسته در حال جانانداختن عبارتی خطا در جامعه است. کافی است در نظر داشته باشیم که بیماری منگولیسم هر آینه ممکن است یکی از نزدیک‌ترین عزیزان ما را درگیر سازد. آن وقت هرگز از به کار بردن عبارت منگول برای توهین به فردی، نه تنها استقبال نخواهیم کرد بلکه به شدت با آن برخورد نیز می‌کنیم.

در پایان، بر خود فرض می‌دانم به عنوان یک پزشک، از عموم هموطنان گرانسنگ خود بخواهم از کاربرد عبارت «منگول» برای تقابلات کلامی‌روزمره به شدت اجتناب ورزیده و به یاد داشته باشیم که «منگول» یک انسان است با عارضه‌ای در ترجمان ژنتیکی خود. منگولیسم یا نشانگان دان‌نوعی اختلال ژنتیکی است یعنی تفاوتی در ژنتیک این بچه‌هاست و بنابراین قابل درمان نیست، مردم عادی در سلول‌های بدن‌شان ۴۶ کروموزوم دارند اما این بچه‌ها ۴۷ کروموزوم دارند. در واقع هنگامی که سلول جنسی ماده یا همان تخمک از دو قسمت شدن سلول‌های اولیه در تخمدان‌ها در حال تشکیل شدن است و کروموزوم‌های سلول اولیه برای دو قسمت شدن نصف می‌شوند، کروموزوم شماره ۲۲ در بعضی موارد در بدن مادر نصف نمی‌شود، در نتیجه سلول جنسی ماده تشکیل شده به جای آنکه ۲۳ کروموزوم داشته باشد، ۲۴ کروموزوم دارد. این تخمک در لقاح با اسپرم ۲۳ کروموزومی، سلول جنین با ۴۷ کروموزوم تشکیل می‌دهد. همه ما به‌طور طبیعی ۲۳ کروموزوم را از مادر و ۲۳ کروموزوم را از پدری می‌گیریم تا ۴۶ کروموزومی باشیم اما این کودکان ۲۴ کروموزوم از مادر دریافت می‌کنند.

نشانگان داون از همان ابتدای تولد با صورتی کاملاً گرد، گوش‌های پایین‌تر از معمول و چشم‌های کشیده و کف دست‌ها که خطوط کمی دارد؛ قابل تشخیص است. کسی به‌طور قطع نمی‌داند که چرا این حالت اتفاق می‌افتد و هیچ روشی برای پیشگیری از اشتباه کروموزومی که موجب این نارسایی می‌شود، شناخته نشده‌است. بنابراین هر خانواده‌ای امکان‌داشتن چنین فرزندی را دارد.

جالب است بدانیم که برخی از سینماگران موفق سینمای ایران، در یک یا دو اثر خود از بازیگران مبتلا به این نشانگان استفاده کرده و از بازی درخشان و توانمندی خوب آنها تعریف کرده‌اند. برخی از قهرمانان پارالمپیک‌ها نیز از مبتلایان به این عارضه هستند و…■



اصطلاحات و عبارات بسیاری در حوزه بیماری و سلامت وجود دارد. عبارات دیگری مانند: غزلش را خوانده است، کنایه از مرگ؛ دل پیچه، کنایه از دردهای کولیکی روده؛ دل شوره کنایه از اضطراب و… تنها معبود اصطلاحاتی است که در زبان فارسی وجود دارد و بیگانگان با این زبان در وهله‌اول هنگامی که چنین عبارتی را از گوینده‌ای می‌شنوند، مبہوت شده و تا چرایی کاربرد آن را برایشان تعبیر نکنند، به درستی با چنین مضامینی ارتباط برقرار نخواهند ساخت.

با وجود اصطلاحات جذاب و گویای زبان فارسی در بیان وضعیت‌های متفاوت سلامتی، متأسفانه امروزه عباراتی نیزدر این زبان وارد گردیده که اگرچه منظور گوینده را می‌رساند اما کاربرد آن نه تنها به صواب نیست بلکه به خطا نیز هست. اشاره به مطالب فوق بهانه‌ای بود تا نویسنده در این کوتاه نوشت، اجتماع فهیم ایرانی را از کاربرد یکی از این عبارات که روز به روز در حال مرسوم شدن است، بر حذر دارد. این اصطلاح نامیومن آنچنان در حال ریشه‌دواندن است که متأسفانه در محاوره معمول سینما و تلویزیون امروز کشورمان نیز وارد شده است. به‌طور مثال، در یکی از لوکیشن‌های فیلم سینمایی کلاخ پر، دو تن از بازیگران عزیز و محترم با بی‌توجهی کامل، فرد مقابل خود را «منگول» می‌خوانند کنایه از اینکه آن شخص، ابله، نادان و عقب‌افتاده است. این عزیزان اگر چه تنها بیان‌کننده دیالوگ مربوطه



” باید از

کاربرد عبارت

«منگول»

برای تقابلات

کلامی‌روزمره

اجتناب‌ورزید

و به یاد داشت

که «منگول»

هم یک انسان

است

–دکتر کرمانچور

بهترین مقاله را انتخاب کنید

۱۶۴۳۰۱ **باز**

۲۰۰۵۲۸ **باز**

باز</